

## بسم الله الرحمن الرحيم

### طلا در نظام اسلام از جمله اموال عمومی و در نظام سرمایه‌داری تاراج حاکمان و شرکت‌هاست

(ترجمه)

در سایه نظام‌های سرمایه‌داری، دولت‌ها در همه‌جا به جست‌جوی پول می‌پردازند و با تشنه‌گی فراوان به دنبال مشتری مال اند و برای داشتن مالکیت آن به هر شکلی تلاش می‌کنند و بدون اجازه شارع سبحانه و تعالی تصرف می‌نمایند، به طوری که برخی از شرکت‌ها به روش‌های پیچیده بهره‌برداری از طلا امتیاز داده می‌شوند، جبریل ابراهیم وزیر مالیه و طرح و پلان اقتصادی سودان تأکید کرد که مالکیت ماده معدنی طلا برای دولت است نه برای افراد. وی افزود: «با این وجود ما به افراد اجازه کار بهره‌برداری طلا و صادرات آن را دادیم و این موفقیت آمیز نبود.» در 28 نوامبر 2019، Al-Hurra.com گزارشی ارائه نمود، تحت عنوان «سودان، تپه‌های طلا در سودان ... مسئله‌ی کوه عامر، البشیر و "هم پیمانان سرسخت او" چیست؟» در این گزارش اظهار داشت که: «طلا در تپه‌های کوه عامر از معدن چی‌یان سرگردان در آپریل 2012 کشف شد تا به ارزشمندترین منبع طبیعی تبدیل گردد؛ اما سران نظام سابق آن را غارت نمودند تا سرمایه‌های هنگفت‌شان افزون گردد. در زمانی که مردم از فقر، بیکاری و وضعیت اقتصادی رنج می‌بردند، عمر البشیر رئیس جمهور برکنار شده و متحدانش کوه عامر را برای منافع خودشان به تمسخر گرفتند.»

به تاریخ 2020/10/16، خبرگزاری SUNA نیز خبری را تحت عنوان: "سودان برای بهره‌برداری از طلا به هفت شرکت قرارداد اعطا می‌کند و برای طرح یک پیشنهاد بین المللی جهت جذب 8 شرکت دیگر آماده می‌شود"، در این خبر اظهار داشت: «سودان اعلام کرده است که 10 قرارداد امتیاز برای بهره‌برداری طلا به شش شرکت محلی و یک شرکت چینی اعطا شد.» آژانس خبری رسمی سودان (سونا) گفت که خبری عبدالرحمن وزیر انرژی و معادن، به نمایندگی از دولت با مدیران شرکت‌ها، در حضور ماچین مین سفیر چین در خارطوم قراردادهایی امضا کرده است که این قرار دادها هم‌چنین شامل بهره‌برداری دیگر مواد معدنی مرتبط با طلا می‌شود. بر اساس گفته این آژانس، خبری از پیشنهاد بین المللی نزدیک به اعلان از 16 قرارداد جدید برای امضا با 8 شرکت دیگر خبر داد.

سلیمان عبدالرحمن مدیر عمومی اداره تحقیقات زمین شناسی، به نوبه خود گفت که تمام مناطق مناسب برای استخراج معادن در کشور به یک میلیون و هشتصد هزار کیلومتر می‌رسد. ماچین مین، سفیر چین با ابراز خوش حالی از امضای توافق‌نامه‌ها گفت: «که این توافق‌نامه‌ها روابط بین دو کشور را تقویت می‌کند.» در 15 مارچ 2021، اداره عمومی تحقیقات زمین شناسی سودان تیمی یک‌پارچه را برای ازرگیری کار در پروژه تولید طلا در کوه عامر، دارفور شمالی اعزام کرد. بازدید از این مأموریت پس از آن بود که شرکت ال جنید از آن به نفع دولت سودان به نمایندگی از وزارت معادن چشم پوشی نمود. محمد الحافظ بانگا، رئیس مأموریت زمین شناسی گفت: «آنها امروز به منطقه کوه عامر می‌روند تا تولید طلا را در این هفته و پس از پایان روند تسلیم و تحویل بین شرکت الجنید و دولت آغاز کنند.»

به این ترتیب است که موضوع طلا در این کشورها پس از انعقاد قرارداد از طرف دولت با شرکت‌ها، به شرکت‌ها داده می‌شود. بنابراین افراد پس از انعقاد توافق‌نامه‌ها با دولت همراه روشن شدن نسبت دولت و شرکت تولید کننده آن‌را مالک می‌شوند، با وجود این ثروت عظیم طلا در این کشور که یکی از بزرگترین کشورهای است که طلا تولید می‌کند، ولی تولید طلا در زندگی مردم این کشور که فقر و تنگ‌دستی را از این نظام‌های سرمایه‌داری به ارث برده‌اند، هیچ اثری نگذاشته است و ای کاش این اموال برای مردم این سرزمین در صحت، آموزش و امنیت هزینه می‌شد؛ اما به جیب متعفن حکام می‌رود! با توجه به این واقعیت، وزیر مالیه ادعا می‌کند که طلا متعلق به دولت است. بنابراین این معدن گران‌بها به مالکیت دولت تبدیل شده و گاهی اوقات دولت آن‌را به شرکت‌ها می‌دهد، با اختصاص درصدی به دولت، نه به مردم این کشور. طبیعی است که دولت در این هرج و مرج چنین تعامل کند و در نبود یک منهج پاک مبتنی بر عقیده مردم این سرزمین، اسلام بزرگ که این ملکیت‌ها را با جزئیات دقیق شرح داده و ذهن قاصر انسان را برای بیان نظر در مورد آن ترک نمی‌کند.

اسلام ملکیت‌را به سه دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از (فردی، دولتی و عمومی است). مالکیت افراد، با بسیاری از احکام ثابت شده است، از جمله احکام ارث که برای افراد در مال موروث سهم قرار داده است، احکام دستمزد در بدل کار و منافع، احکام شکار و شرکت‌ها و بسیاری موارد دیگر. به همین قسم مالکیت دولت را بسیاری از احکام، از جمله جزیه، خمس ذخایر زمینی، خراج، فیه و غنایم اثبات کرده است و در مورد مالکیت عمومی، این احکام با مشارکت مردم در آب، چراگاه و آتش و مواد معدنی گسترده‌ای مانند آهن، منگنز، طلا و سایر مواد معدنی ثابت شده است.

اسلام به فرد حق داده است که آن‌چه را نیاز دارد و نیاز افراد تحت تکفل خود را تحت مالکیت خود داشته باشد. دولت به عنوان یک حامی امور رعیت، باید برای انجام وظایف خود در قبال رعیت، محافظت از رعیت و سرزمین در برابر خطرات داخلی و خارجی و حفظ امنیت و سلامت مردم از مال استفاده کند. بنابراین اسلام برای دولت حق مالکیت برخی املاک معینی را داده است که آن مال برای رسیدگی به بعضی وظایف لازمی مورد نیاز می‌باشد، و این مال غیر از آن مالی است که پرداخت آن‌را الله سبحانه و تعالی بر مردم لازم گردانیده است. به همین ترتیب نیازهای وجود دارد که فقط مختص یک فرد نیست، بلکه نیاز افراد به عنوان یک گروه از افراد است و نه به عنوان یک فرد. مانند چراگاه‌ها، جنگل‌ها، رودخانه‌ها، سواحل دریایی، جاده‌ها، مراکز آموزشی و صحرایی و سایر موارد. اسلام جامعه را با ویژگی‌های مخصوص جامعه منحصر گردانیده که سبب حفظ جامعه و پراکنده نشدن آن و وسیله بقاء آن بدون نیاز به پول فردی یا پول دولتی می‌شود.

اموال عمومی به این طریق شناخته می‌شود که شارع برای تمام افراد جامعه اجازه بهره‌گیری از همان اشیاء را داده است و این اشیاء در سه نوع تحقق می‌یابند: اشیای که از تأسیسات جامعه به حساب می‌آیند، چنان‌چه اگر در دسترس جامعه نباشند، افراد جامعه در طلب آن پراکنده می‌شوند، مواد معدنی تمام نشدنی و مواردی که ماهیت ترکیب آن‌ها مانع می‌شود که یک فرد به مالکیت آن اختصاص داده شود. از ابن عباس رضی الله تعالی عنه روایت که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:

«النَّاسُ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: الْمَاءِ وَالْكَلْبِ وَالنَّارِ»

ترجمه: مردم در سه چیز با هم شریک‌اند: آب، چراگاه و آتش

این بدان معناست که آب‌های مانند: رودخانه‌ها، دریاها و سواحل آن، حوضه‌های آب و مراتع وسیع کوه‌ها، دشت‌ها، چراگاه و جنگل‌ها و آتش به معنای منابع آتش مانند جنگل‌های چوب، معادن زغال سنگ، گاز و نفت همه اموال عمومی اند، به این معنی که آن‌ها یا آن چه از این منابع به دست می‌آید عبارت از مالی است که به تمام افراد رعیت به طور یکسان تعلق دارد و همه می‌توانند از آن به صورت مستقیم یا از طریق یک تنظیمات خاصی که توسط دولت انجام می‌شود بهره‌مند شوند. در مورد مواد معدنی که هیچ‌گاه تمام نمی‌شوند، ترمذی از ابیض بن حمال نقل می‌کند که وی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم آمد و از ایشان خواست تا قطعه زمینی را که در آن معدن نمک قرار داشت برای وی بدهند، نبی کریم صلی‌الله‌علیه و سلم (بر اساس حرصی که به آبادانی زمین داشتند) این قطعه زمین را به وی دادند، وقتی که پشت گشتاند تا برود شخصی از اهل مجلس گفت: آیا می‌دانید ای رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و سلم که چگونه زمینی را برای وی دادید؟ شما برای وی بخشی از آبِ عِدِّ را دادید. نبی کریم صلی‌الله‌علیه و سلم فرمودند: آن قطعه زمین را از وی باز گیرید.

آبِ عِدِّ عبارت از همان آبی است که تمام نمی‌شود. در این جا نمک را به آبِ عِدِّ تشبیه نموده است، زیرا تمام نمی‌گردد و این دلالت می‌کند که معادنی از قبیل منابع مواد معدنی مختلف مانند آهن، مس، فسفات، یورانیم، طلا و سایر موارد از جمله منابعی می‌باشند که متعلق کردن آن به افراد جواز ندارد. اما اشیای که طبیعت آن مانع از تملک آن‌ها توسط افراد می‌شود، این موارد شامل جاده‌ها، فرکانس‌های رادیویی، معابر آب و هوا، مدارس دولتی، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها می‌شود. مالکیت یک فرد در جاده یا گذرگاه آب و هوا و کلینیک‌های دولتی ممکن است از بهره‌مندی افراد دیگر از این اشیاء جلوگیری کنید.

به همین قسم طلا، اگر مقدار آن زیاد باشد و از جمله منابع تمام نشدنی باشد، مالکیت آن برای شرکت‌ها، افراد یا حتی دولت مجاز نیست، زیرا این یکی از اموال عمومی برای همه مردم است بنابراین دولت می‌تواند آن را به شکل خدمات برای مردم صرف کند یا به صورت نقدی به آن‌ها بدهد. اما اگر به مقدار کم باشد و به حدی نباشد که از جمله منابع تمام نشدنی به حساب آید، در این صورت جواز دارد که افراد مالک آن باشند.

این نظام پروردگار جهانیان است که او بر پیامبرش محمد بن عبدالله علیه افضل الصلوة و اتم التسليم نازل کرد؛ نظامی که مردم را رهبری کرد و به کسی ظلم نمی‌نمود. نظام خلافت که حق هر صاحب حقی را اداء نموده و به حق مردم تعدی نمی‌کند.

**نویسنده: عبدالخالق عبدون علی**

**عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر ولایت سودان**

**مترجم: احمد صادق امین**